

# هویت نوین هندو

## سودهیر کاکار



تظاهراتی در چهارم مارس ۱۹۹۱  
در دهلی نو به منظور ایجاد معبدی  
در ایودیا.

این مرزبندی نوین بر محور یادآوری فقدان اجتماعی مشترکی استوار است که نماد آن معبد راما در ایودیا است. این معبد نماد سوگواری جامعه هندو است، سوگواری برای شرافت و عزت نفس و تمدن از دست رفته.

چنین وانمود می‌شود که این هویت نوپا پیوسته مورد تهدید نیروهای داخلی و خارجی است و از همین رو برای جلوگیری از تفرقه در این وحدت نوین باید همواره هوشیار بود. سخنران‌های این جریان گروه‌های متخاصم را محکوم می‌کنند و هم خود را مصروف تفرقه‌افکنی میان جمعیت‌های دیگر می‌کنند و این کار به معنای آرمانی ساختن سرنوشت خود و جست‌وجوی سپریلا در میان دیگران است.

### خودشیفتگی گروهی

تساهل و مدارا، عمق اندیشه و وسعت دل‌مشغولی‌های اجتماعی هندوها شکلی آرمانی می‌یابد و این صفت‌ها که جزء جدایی‌ناپذیر جامعه هندواند، هر یک از اعضای جامعه را دربر می‌گیرند و احساس بر حق و پاک بودن به آنان می‌دهند. حفظ عزت نفس و این احساس آرمانی نسبت به

### روانکاوی ایدئولوژی هندو

امروز در بسیاری از بخش‌های هند، به‌ویژه ایالت‌های مرکزی و شمالی، هویت نوین هندو یا به عبارتی هندوتوا در حال شکل‌گیری است. هندوتوا اساس بسیج سیاسی جریانی بی‌شکل از حزب‌ها و گروه‌های هندو است که سنگ پریور (Sangh Parivar) نام دارد، و با شکل‌های پیشین مذهب هندو فقط شباهت‌های ناچیزی دارد. با بررسی تخیل‌ها و انگاره‌ها و الگوهایی که از خلال سخنرانی‌های مبارزاتی هواداران هندوتوا سربرمی‌آورد، می‌توان چند مرحله از شکل‌گیری آن را تمییز داد.

نخستین ویژگی چشمگیر این سخنرانی‌ها شیوه‌ای است که در آن با مطرح کردن خدایان و قهرمانانی خاص، مرزهای جامعه هندو را از نو ترسیم می‌کنند. این خدایان و قهرمانان مظهر آرمان‌های مشترک تمام اعضای جامعه و انسجام‌بخش آن هستند.

### سودهیر کاکار.

روانکاو هندی، که به دلیل کتاب روابط خصوصی: کاوشی در جنسیت هندی (۱۹۸۹) شهرت یافته است. از کتاب‌های دیگر او: شمن‌ها، رمزها و پزشکان (۱۹۸۹) و دنیای درونی: مطالعه‌ای روانکاوانه در خصوص کودکی و اجتماع در هند (۱۹۷۹).

## فضایی برای روشنایی روز

«همیشه کسانی وجود دارند که بر پایه خلق و خو یا سنت، آرامش خاطرشان را در تعلق به فرقه‌ای خاص می‌یابند و گروه دیگری نیز وجود دارند که چنین آرامش‌خاطری فقط در چهارچوب آنان مشروع است. ستیز میان این دو گرایش اجتناب‌ناپذیر است... آیا ادیان آرمانی هند فضایی برای روشنایی مشترک روز و جوی باز برای همه جامعه انسانی ندارند؟ نیروی عنادگر فرقه‌گرایی متعصب، شک ما را برمی‌انگیزاند؛ خونریزی‌هایی که اغلب به بیانه‌هایی ناچیز روی می‌دهد، شک ما را برمی‌انگیزاند؛ تمایزهای بی‌رحمانه و توهین‌آمیز میان انسان‌ها که به نام مذهب تداوم می‌یابد، شک ما را برمی‌انگیزاند.»

رابیندرانات تاگور

(۱۸۶۱ - ۱۹۴۱)

Towards Universal Man

خود صرفاً با طرد دیگری به منزله موجودی بد، کثیف و ناپاک صورت می‌گیرد؛ مسلمان تجسم این دیگری است. با این فرایند جداسازی جمعیت‌ها، تخیل آزارگری فعال می‌شود. از این پس دیگر مسلمان یک نمونه ابتدایی نیست، بلکه نمونه کامل است، نمونه کامل ستمگری. بدین ترتیب، در سخنرانی‌های این مرحله می‌توان ناتوانی ناشی از ترس از آزارگری را تشخیص داد. احساس ناتوانی، شکنندگی خود برتر گروه را آشکار می‌کند و در نتیجه تصویر مثبت هندو از خود با ترس او از ناتوانی تغییر شرایط مادی و اجتماعی هستی‌اش لکه دار می‌شود. آیا داریم با دیگران مدارا می‌کنیم یا فقط افراد ضعیفی هستیم؟ آیا مداراگری مان فقط به دلیل ضعفمان است؟

این خود خرد شده نیازمند ترمیم و بازسازی است که با توسل به زور صورت می‌گیرد. سخنرانی‌های مبارزاتی با فرا خواندن به کنشی جمعی و واحد در عرصه سیاسی به این نیاز سمت و سو می‌دهند و از طریق روند انتخاباتی، تأیید خود را ممکن می‌سازند، زیرا از این راه امکان می‌یابند با نیروهای آزارگر ضد هندو، چه داخلی و چه خارجی رویارو شوند و بر آنها غلبه کنند.

نمی‌توان به‌خاطر تقویت غرور هندوها، بر سنگ - پریور خرد‌آبی گرفت. زیرا تقویت غرور هدفی است بهنجار برخاسته از میل هر گروه به خودشیفتگی. اما مسئله این است که این خود شیفتگی کجا دچار انحراف و ناپهنجاری می‌شود. غرور و خودشیفتگی گروهی فرصت مناسبی است برای نیروهای هندوتوا تا از نگرش خاص خود در مورد آینده هندوستان دفاع کنند. مسئله اصلی این نیروها پذیرش یا عدم پذیرش علوم و فن‌آوری جهانی، نهادهای اقتصادی و شکل‌های مختلف مدرن بودن نیست، بلکه دغدغه‌شان امکان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویت هندو است. چنین رویکردی

می‌تواند طبقات نوپای میانی و آن دسته از روشنفکرانی را جذب کند که نه پذیرای مدرنیسم جهانی‌اند و نه پذیرای سنت‌گرایی پسامدرن.

در جامعه‌ای که با امروزی بودن در کشمکش است، نیاز شدیدی به تداوم گذشته احساس می‌شود تا با آن هویت فردی و جمعی حفظ و تأیید شود و سنگ پریور با موفقیت چشمگیر اجتماعی و سیاسی به همین نیاز پاسخ می‌دهد، نیاز به تداوم حافظه جمعی، یا به عبارت دقیق‌تر، نیاز به بازنمایی گذشته در دوره‌ای با جهش‌های تند همراه آشفته‌گی.

پوستری در کلکته

عبارت‌های روی پوستر:

«کی بالاتر است، کی پایینتر؟»

«همه با هم برابر هستیم»

«از حقوق شهروندی خویش

دفاع کنید.»

# who is high, who is low ?

## we are all EQUAL

### insist on your civil rights

